

**اول)** حدود ۳۲ سال بعد، دیگر نفتی برای «صادرات» نخواهیم داشت. شوربختانه، در همان زمان، احتمالاً جمعیت سالخورده و بازنشسته کشور، بیشتر از جمعیت شاغل خواهد بود .

۳۲ سال بعد، زمانی است که جمعیت دانش‌آموزی امروز کشور در رده سنی ۳۸ تا ۵۰ سال قرار خواهد داشت. به بیان دیگر، بخش عمده موتور محرکه اقتصاد ایران در زمان خشک شدن چاه‌های نفت، در دست جمعیت دانش‌آموزی فعلی قرار دارد. اما آیا مدرسه‌های امروز ما، می‌توانند نسلی توانمند برای «عصر خشک شدن چاه‌های نفت‌مان» تربیت کنند؟ آیا وضعیت مدارس ایرانی به لحاظ غنی‌سازی «سرمایه انسانی» کودکان و نوجوانان، در سطحی هست که بتوانیم به جایگزینی «سرمایه انسانی» به جای «سرمایه نفتی» امیدوار باشیم؟

**دوم)** در شرایطی که سیاست‌های کلان کشور به سمت «افزایش فرزندآوری» تمایل یافته، ایجاد زیرساخت مناسب برای «توسعه کیفی» جمعیت کشور به‌ویژه در رده‌های سنی کودک و نوجوان، اهمیتی مضاعف پیدا کرده است. در غیر این صورت، اجرای صرف سیاست‌های «توسعه کمی» جمعیت، آن هم در چارچوبی که عمدتاً مشوق افزایش فرزندآوری در خانوارهای دهک‌های پایین است، به معنای افزایش جمعیت زیر خط فقر، افزایش جمعیت افراد بی‌خانمان و افزایش جمعیت مجرمان خواهد بود .

اما با توجه به تاکید بر ایجاد زیرساخت‌های «کیفی‌سازی جمعیت» در بندهای ۸ و ۱۴ سیاست‌های کلی جمعیتی ابلاغی مقام معظم رهبری (۳۰ اردیبهشت ۹۳)، آیا بودجه‌ریزی آموزش و پرورش در سال ۹۴، می‌تواند در این سمت‌وسو حرکت کند؟ آیا برنامه مناسبی برای تبدیل مدارس ایرانی به «کانون‌های کیفی‌سازی جمعیت» داریم؟

در عصری که توسعه اینترنت باعث شده انواع «اطلاعات» را بتوان با هزینه نزدیک به صفر و در کمترین زمان ممکن به دست آورد، به دانش‌آموزان مان فن «فرآوری اطلاعات» را می‌آموزیم؟ آیا در کنار آموختن انواع محفوظات و اطلاعات عمومی و امثالهم، برنامه‌هایی برای ارتقای قوه خلاقیت آنان، افزایش شم اقتصادی و هوش تجاری‌شان، ارتقای مهارت آنها برای کار تیمی، افزایش اعتماد به نفس، توسعه مهارت‌های ارتباطی و خلاصه آموختن ضرورت‌های کسب توانایی طراحی و توسعه یک کسب‌وکار پویای «مستقل از رانت نفتی»، تدارک دیده‌ایم؟

پرسش‌های فوق، هم برای ایران بسیار کلیدی است و هم برای ده‌ها کشور نفتی دیگری که کمابیش همگی در بازه زمانی ۳۰ تا ۴۰ سال آینده، دیگر نفتی برای صادرات نخواهند داشت .

**سوم)** مجلس شورای اسلامی در اواسط آذر ۹۳، با تصویب قانونی تحت عنوان «مالیات توسعه عدالت آموزشی»، از بنگاه‌های اقتصادی زیرمجموعه نیروهای مسلح، آستان قدس رضوی و ستاد اجرایی فرمان امام (ره) دعوت کرد که در توسعه عدالت آموزشی در رده‌های سنی پایه و کمک به غنابخشی کمی و کیفی آموزش و پرورش در سال‌های کلیدی شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان کشور، مشارکت کنند .

پس از بررسی مصوبه مذکور توسط شورای محترم نگهبان قانون اساسی، این شورا خواستار اصلاحاتی در جزئیات مصوبه مذکور شد (۲۲ دی ۹۳) که متعاقباً کمیسیون برنامه و بودجه مجلس مصوبه فوق را در راستای تامین نظر شورای نگهبان اصلاح کرد و در

آغاز دهه فجر ۱۳۹۳، مجدداً به تصویب رساند. این اتفاق فرخنده، قطعاً می‌تواند نقطه عطفی مهم در «عدالتخواهی عالمانه» و نیز بذل توجه ویژه به پرسش‌هایی باشد که در بخش ابتدای این یادداشت بیان شد.

**چهارم)** تبدیل مدارس به «کانون‌های تمرکز سیاست‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی و نیز توانمندسازی و محرومیت‌زدایی»، در دو دهه اخیر مورد وفاق وسیع صاحب‌نظران اقتصاد توسعه و اقتصاد فقر بوده است. چرا؟

در پاسخ به این پرسش، دست‌کم چهار دلیل کلی را می‌توان ذکر کرد:

۱- پژوهش‌های تجربی متعدد (به‌ویژه پژوهش‌های چند سال اخیر «جیمز هکمن»، برنده نوبل اقتصاد سال ۲۰۰۰)، نشان داده‌اند که در میان برنامه‌های مختلف اجرا شده از سوی دولت‌ها در زمینه محرومیت‌زدایی، پربازده‌ترین برنامه‌ها به ازای هر یک ریال هزینه، برنامه‌هایی بوده‌اند که بر کاهش فقر کمی و کیفی آموزشی در رده‌های سنی ۵ تا ۱۸ سال (پیش‌دبستانی تا پایان دبیرستان) تمرکز داشته و کوشیده‌اند تا مهارت‌های «شناختی» (مانند ریاضیات، علوم، ادبیات و امثالهم) و مهارت‌های «غیرشناختی» (مانند قدرت تحلیل و تفکر، مهارت کار تیمی، مهارت ایجاد ارتباط، مهارت پرسشگری، مهارت زیبایی‌شناختی، حس اعتماد به نفس، مهارت توسعه خلاقیت و امثالهم) را در رده‌های سنی کلیدی شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان، ارتقا دهند.

۲- تحلیل‌های تئوریک متعدد (به ویژه تحلیل‌های «آمارتیا سن»، اقتصاددان شهیر هندی و برنده نوبل اقتصاد سال ۱۹۹۸) نشان داده‌اند که تمرکز دولت‌ها بر توسعه انسانی (Human Development) با دو رکن توسعه آموزشی و توسعه سلامت جسمی و روحی در رده‌های سنی پایه، بهترین تضمین‌کننده بهره‌مندی متقارن گروه‌های مختلف از ثمرات «رشد اقتصادی»، کاهش پایدار نابرابری‌های اقتصادی و نیز افزایش «تحرك اجتماعی (Social Mobilization)» است.

۳- هزینه‌کرد بودجه‌های دولتی سیاست‌های کلان محرومیت‌زدایی در حوزه‌های «آموزش»، «سلامت» و «تغذیه» در مدارس، در مقایسه با رویکردهایی مانند شناسایی خانوارهای محروم و پرداخت پول نقد یا وام‌های بدون بهره یا کالاهای سوبسیددار به آنان، «کمترین ریسک سوءاستفاده و انحراف مالی» را دارد.

۴- برنامه‌ریزی برای اجرای سیاست‌های محرومیت‌زدایی و توانمندسازی در حوزه‌های سه گانه آموزش، سلامت و تغذیه در مدارس، می‌تواند «هم‌افزایی» مناسبی را در جهت ایجاد ظرفیت برای خروج فرزندان خانوارهای دهک‌های درآمدی پایین از «تله فقر» فراهم کند.

**پنجم)** در بودجه رسمی سال ۱۳۹۴ آموزش و پرورش، متأسفانه مجدداً فقط در حدود ۵/۱ درصد کل بودجه به «بودجه سیاست‌گذارانه» (به معنای بودجه غیرپرسنلی یا کل بودجه منهای حقوق و دستمزد کارکنان) اختصاص یافته است. به بیان دیگر، اگرچه مقدار عددی بودجه آموزش و پرورش رقمی چشمگیر و در حدود ۲۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان است، اما حدود ۵/۹۸ درصد از این بودجه به‌طور مستقیم به حساب معلمان و کارکنان آموزش و پرورش واریز شده و تنها ۵/۱ درصد برای بهبود امکانات آموزشی و پرورشی و تفریحی و ورزشی مدارس، پرداخت هزینه روزمره مدارس (آب و برق و امثالهم)، توسعه فناوری در کلاس‌های درس و... باقی می‌ماند.

در این زمینه، کافی است توجه کنیم که «بودجه سیاست‌گذارانه» آموزش و پرورش، در سال ۱۳۷۶ معادل ۱۱ درصد، در سال ۱۳۸۰ معادل ۵/۸ درصد، در سال ۱۳۸۴ معادل ۵/۹ درصد و در سال ۱۳۸۸ معادل ۳/۳ درصد از کل بودجه آموزش و پرورش بوده است.

این روند نزولی، به منزله کاهش شدید قدرت مانور سیاست‌گذاران ارشد آموزش و پرورش و تنزل جایگاه این وزارتخانه کلیدی از یک نهاد «طراح استراتژی توسعه انسانی»، به یک «حسابدار» (دریافت‌کننده بودجه و پرداخت‌کننده دستمزد) است .

برخی از مصادیق کمبود شدید اختصاص بودجه سیاست‌گذارانه به آموزش و پرورش، در جدول شماره یک قابل مشاهده است .

**ششم )** اگر «آمار باکیفیت» را به منزله ستون فقرات «ارزیابی مدیریت اجرایی» و نیز «پژوهش‌های باکیفیت» بدانیم، باید بپذیریم که یکی از کلیدی‌ترین ریشه‌های فقر سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش کشور، از فقر آماری در این حوزه ناشی می‌شود .

اگر می‌خواهیم به واقع مدارس را به «کانون‌های کیفی‌سازی جمعیت» تبدیل کنیم، یک گام بودجه‌ای مهم در این زمینه، اختصاص بودجه مناسب برای تولید منظم آمارهای باکیفیت در زمینه وضعیت ورودی و خروجی سیستم آموزش و پرورش و نیز انتشار عمومی نتایج در قالب گزارش‌های آماری مشروح است. در غیاب آمارهای باکیفیت، فراگیر و شفاف، اکثریت مدیران اجرایی به‌طور مستمر مدعی اجرای بهترین سیاست‌ها هستند، اکثر منتقدان به‌طور مستمر مدعی وضعیت فاجعه‌بار در جنبه‌های مختلف آموزش و پرورش هستند و اکثر پژوهشگران نیز قادر نیستند پژوهش باکیفیت در زمینه ارزیابی جنبه‌های مختلف سیاست‌های توسعه آموزشی در مقاطع سنی پایه انجام دهند .

**هفتم )** بعد از این توضیحات اجمالی، بد نیست اشاره‌ای هم به بند پایانی کنفرانس «توسعه و عدالت آموزشی» (دانشگاه شریف، ۳ و ۴ آبان ۹۳) داشته باشیم؛ بندی که در شرایط مالی نامناسب فعلی دولت، مشارکت «نهادهای عمومی غیردولتی» در تامین منابع مالی آن می‌تواند پیشرفتی وسیع در کمک به سیاست‌های کلی نظام باشد: «به منظور بنا نهادن پایه‌ای محکم برای «مقاوم‌سازی اقتصادی\_ اجتماعی» کشور (در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، به‌ویژه بندهای ۱، ۳ و ۵)، کمک به «کیفی‌سازی جمعیت» (در راستای بندهای ۸ و ۱۴ سیاست‌های جمعیتی ابلاغی رهبری در ۳۰ اردیبهشت ۹۳)، ایفای نقش در تحقق سیاست‌های تحول‌آفرینی در آموزش و پرورش (به‌ویژه بندهای ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۹ و ۱۲ سیاست‌های کلی ابلاغی رهبری در ۱۰ اردیبهشت ۹۲)، و نیز کمک به دستیابی به جایگاه اول منطقه به لحاظ توسعه انسانی در چشم‌انداز ۱۴۰۴، ما شرکت‌کنندگان این کنفرانس خواستار آن هستیم که سرفصل ویژه‌ای تحت عنوان «ارتقای عدالت آموزشی کودکان و نوجوانان» در بودجه ۹۴ و برنامه ششم توسعه لحاظ شود».

**هشتم )** امید است که با همدلی دغدغه‌مندانه نهادهای عمومی غیردولتی، حسن نظر شورای محترم نگهبان قانون اساسی و نیز دقت نظر وزارت آموزش و پرورش در بهره‌گیری دقیق از آرای صاحب‌نظران مختلف در تدوین آیین‌نامه «توسعه و عدالت آموزشی کودکان و نوجوانان»، شاهد ثبت این عبارت در تاریخ اقتصاد ایران باشیم: «آغاز جهشی چشمگیر در توسعه عدالت آموزشی، در شأن مردم عدالت‌خواه، فرهنگ‌دوست و اخلاق‌مدار ایران اسلامی».

جدول شماره ۱: منتخبی از اجزای «بودجه سیاست گذارانه» آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۴			
حمایت از توسعه فناوری‌های نوین در کلاس‌های درس	۵ میلیارد تومان (۴۰۰ تومان به ازای هر دانش آموز مدارس دولتی)	آموزش مهارت‌های اساسی زندگی به دانش آموزان	۲/۵ میلیارد تومان (۲۰۰ تومان به ازای هر دانش آموز مدارس دولتی)
کمک به ارتقای کیفیت فعالیت‌های ورزشی دانش آموزان	۵۰۰۰ تومان به ازای هر دانش آموز	توسعه پیش دبستانی دولتی در مناطق روستایی و نیز استان‌های دوزبانه	مجموعاً ۱۵ میلیارد تومان
منبع: پیوست ۴ لایحه بودجه ۱۳۹۴ کل کشور، صفحات ۵۲۶ تا ۵۴۸			